

# ۴۰ درصد از زمان آموزش در مدارس ایران از بین می‌رود

فرگاه افشار خبرنگار یادداشت

نظام آموزشی ایران با بحرانی روبه‌روست که کمتر در مناظرات رسانه‌ای و سیاستی دیده می‌شود؛ بحرانی که نه به کمبود مدرسه مربوط است، نه به کمبود معلم و نه حتی صرفاً به محتوای کتاب‌های درسی. این بحران، به گفته کارشناسان، «ظرف زمان آموزش» است؛ ظرفی که سال‌به‌سال کوچک‌تر می‌شود، بی‌آنکه در تقویم رسمی آموزش و پرورش نشانی روشن از جبران آن دیده شود. به گفته مدیرگروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس و با استناد سند ملی برنامه درسی، در دوره ابتدایی باید سالانه ۹۲۵ ساعت آموزش رسمی تحقق پیدا کند. اما بر اساس داده‌های پژوهشگاه آموزش و پرورش و گزارش‌های میدانی، در عمل فقط حدود ۵۷۶ ساعت از این زمان محقق می‌شود؛ یعنی بیش از ۴۰ درصد زمان آموزش از بین می‌رود.

البته در این میان ناگفته نماند که این عدد حتی خوش‌بینانه است. چرا که در گزارش‌های بین‌المللی، میانگین زمان آموزش واقعی دانش‌آموزان ایرانی حدود ۶۲۰ تا ۷۰۰ ساعت برآورد شده و ایران در میان ۵۸ کشور شرکت‌کننده، در پایین‌ترین رده‌ها از نظر «زمان آموزش» قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت که وقتی درباره افت کیفیت آموزش یا نابرابری آموزشی صحبت می‌کنیم، باید اول بپرسیم اصلاً چقدر آموزش داده‌ایم؟ یا به قول گفته مدیرگروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس نمی‌شود از نظامی که کمتر از دوسوم زمان مصوب محقق می‌شود، انتظار خروجی باکیفیت داشت. اکنون باتوجه به کمبود زمان آموزشی که دانش‌آموزان ما با آن روبرو هستند، باید پرسید که دلیل مطرح شدن «تعطیلات زمستانه مدارس» از سوی مجلس چیست؟

## از تعطیلات موقتی تا حل بحران ساختاری

بحث تعطیلات زمستانی مدارس، نخستین‌بار در سال ۱۳۹۵ در مجلس مطرح شد، با هدف توزیع تعطیلات در طول سال. طرح، به دلیل مخالفت‌ها و فقدان پشتوانه پژوهشی، مسکوت ماند. حالا سال‌ها بعد، در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۴ علیرضا منادی، رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی خبر داده است که به‌زودی تعطیلات زمستانه مدارس به تصویب مجلس می‌رسد. بر اساس کسب اطلاع «فرهیختگان»، این نقل قول از نماینده مجلس اشاره به یکی از مواد طرح ۲۲ ماده‌ای دارد که با عنوان طرح تقویت نظام آموزش و پرورش، مصوب کمیسیون محسوب شده و به‌زودی به صحن مجلس می‌رسد. در ماده ۲۰ این طرح که با محوریت انعطاف‌پذیری تقویم آموزشی از سوی کمیسیون آموزش مجلس احیاء شد؛ این بار تکیه اصلی بر بازنگری در قانون ساختار تقویم آموزشی بود، نه صرفاً تعطیلی در زمستان. به گفته کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت، آنچه کشور نیاز دارد، تغییر نگاه سیاست‌گذار به تقویم آموزشی کشور است. یعنی تغییر طرح مطرح شده: از «طرح تعطیلات زمستانه» به سمت «اصلاح تقویم آموزشی». چون تعطیلات زمستانی در ذات خود نه راه‌حل، بلکه تنها نتیجه انعطاف تقویم در مناطق سردسیر کشور است.

منشأ بحران، قانونی است که از سال ۱۳۷۶ همچنان پابرجاست. طبق این قانون، بازگشایی مدارس باید از اول مهر و پایان آموزش تا ۳۱ اردیبهشت باشد. این الزام سراسری، اختیار تنظیم تقویم را از استان‌ها سلب کرده و آموزش را به یک چهارچوب خشک و متمرکز محدود ساخت است. درحالی‌که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «ضرورت‌های بازنگری در تقویم آموزشی مدارس» که سال ۱۴۰۰ نوشته شده، به‌صراحت بر ضرورت لغو قانون مصوب ۱۳۷۶ تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد اختیار برنامه‌ریزی تقویم تحصیلی، در چهارچوب مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، به شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها واگذار شود.

## ۴۰ درصد از زمان آموزش در مدارس ایران از بین می‌رود

محمدصادق عبداللهی، مدیرگروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس در گفتگو با «فرهیختگان» می‌گوید نظام آموزشی ایران با یک بحران خاموش روبه‌روست: «ظرف زمان آموزش»، به گفته او اگر طبق سند ملی برنامه درسی، برای مقطع ابتدایی باید ۹۲۵ ساعت آموزش رسمی برگزار شود، در عمل تنها ۵۷۶ ساعت از آن تحقق می‌یابد؛ یعنی بیش از ۴۰ درصد اتلاف زمان آموزشی.

وی به داده‌های پژوهشگاه آموزش و پرورش اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «این عدد مربوط به آمار رسمی و میانگین کشوری است. گزارش‌های آزمون بین‌المللی TIMSS هم همین را تأیید می‌کند؛ میانگین ساعات آموزش در ایران حدود ۶۲۰ تا ۷۰۰ ساعت است و ما در میان ۵۸ کشور شرکت‌کننده، کمترین زمان آموزش را داریم.»

عبداللهی منشأ اصلی این وضعیت را در «ساختار بسته تقویم آموزشی» جست‌وجو می‌کند که از سال ۱۳۷۶ تاکنون تغییر نکرده است: «در همان سال، قانونی تصویب شد که تعیین کرد مدارس باید از اول مهر آغاز و در سسی و یکم اردیبهشت پایان یابند. این تقویم، سراسری و الزام‌آور است و عملاً اجازه هیچ انعطافی به استان‌ها نمی‌دهد. حال کافی است از یک مهر تا پایان اردیبهشت راروی تقویم حساب کنیم تا ببینیم اصلاً امکان تحقق ۹۲۵ ساعت وجود ندارد.»

به گفته وی، وقتی حتی بر روی کاغذ امکان تحقق کامل برنامه نیست، در عمل هم با تعطیلات متعدد ناشی از آلودگی هوا، سرما، مدیریت مصرف انرژی و حوادث غیرمترقبه، عملاً «ظرف آموزش» هر سال کوچک‌تر می‌شود. «ما برای ۹۲۵ ساعت برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ اما فقط ۵۷۶ ساعت فرصت تحقق داریم. افت کیفیت و نابرابری آموزشی از همین‌جا آغاز می‌شود.»

## در طرح جدید به دنبال بازگرداندن اختیاری آموزش استان‌ها هستیم

عبداللهی با تأکید بر اینکه ایران کشوری پهناور و ناهمگون است، می‌گوید طراحی یک قانون واحد برای همه استان‌ها عملاً خلاف عدالت آموزشی است. «ما کشوری داریم که از شمال تا جنوبش تفاوت طول‌روز تا سه ساعت است؛ تفاوت دمای میانگین مناطق به ۴۰ درجه می‌رسد و تقویم کشاورزی، آیین‌ها و تعطیلات محلی هم متفاوت هستند. باین وجود، یک قانون متمرکز از مرکز کشور برای همه نسخه واحد پیچیده است.» او یادآوری می‌کند که در سال‌های قبل از ۱۳۷۶ «قانون شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها» اجازه تنظیم تقویم آموزشی محلی را به استان می‌داد، اما پس از مصوبه سال ۱۳۷۶ این اختیار از استان‌ها سلب شد. «الآن همان اختیار قرار است بازگردانده شود. طرح تازه مجلس در قالب یکی از مواد طرح تقویت و تعالی نظام آموزش و پرورش کشور می‌خواهد قانون سال ۷۶ را لغو کند و اختیار تنظیم تقویم را به شوراهای استانی برگرداند.»

## با تعطیلی‌های مکرر عدالت آموزشی نیز معنا ندارد

بر اساس این مدل پیشنهادی، شورای عالی آموزش و پرورش ابتدا چهارچوب ملی را تدوین می‌کند. برای مثال تعیین می‌کند که در مقطع ابتدایی باید ۹۲۵ ساعت تدریس محقق شود. سپس هر استان متناسب با شرایط جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی خود زمان‌بندی کلاس‌ها را تنظیم می‌کند. «در قانون جدید حتی تصریح شده که شورای استان موظف است پیش از آغاز سال تحصیلی، تقویم سالانه آموزش را به اطلاع خانواده‌ها برساند؛ تا خانواده بدانند چه زمانی سال تحصیلی آغاز و پایان می‌یابد، زمان امتحانات چه زمانی است و تعطیلات پیش‌بینی شده کدام است. این کار، آرامش و برنامه‌ریزی خانواده‌ها را هم تأمین می‌کند.»

عبداللهی تأکید می‌کند که انعطاف در تقویم آموزشی تنها به معنای جابه‌جایی تعطیلات نیست، بلکه اصلاحی در نظام برنامه‌ریزی آموزشی است. «وقتی مدرسه در خوزستان به‌خاطر گردوغبار یاگر ماتعطل می‌شود، یا در برخی مناطق سردسیر عملاً چند هفته امکان برگزاری کلاس وجود ندارد، دیگر عدالت آموزشی معنا ندارد. کودک تهرانی ۷۰۰ ساعت آموزش واقعی می‌بیند؛ اما کودک روستایی فقط ۴۰۰ ساعت؛ درحالی‌که هر دو باید یک آزمون و یک کتاب‌درسی را طی کنند.»

این چالش زمانی پیچیده‌تر می‌شود که تنوع اقلیمی کشور وارد معادله تقویم شود. درحالی‌که مستنجد بیش از ۲۶ درصد روزهای سال به دلیل سرما در وضعیت آسایش اقلیمی قرار ندارد، در جاسک ۳۳ درصد روزهای سال به دلیل گرما خارج از شرایط آسایش است. در شمال کشور نیز رطوبت نسبی بالا، مانند رشت با ۸۲ درصد رطوبت، مانعی جدی برای آموزش پایدار ایجاد می‌کند. با چنین تفاوت‌هایی، تقویم واحد و غیرمنعطف، نه‌تنها زمان آموزش، بلکه فشار نابرابر بر معلم و مدرسه را نیز بازتولید می‌کند.

عبداللهی در ادامه گفت‌وگو مثال خوزستان را مشخص‌تر شرح می‌دهد: «در سال جاری، بر اساس گزارش‌های میدانی، تا آبان‌ماه حدود ۱۰ جلسه از کلاس‌های مدارس ابتدایی به دلیل گردوغبار تعطیل شده بود. این یعنی تقریباً دو هفته آموزشی از دست‌رفته، بدون امکان جبران. چون طبق قانون کنونی، پایان سال تحصیلی بسته است و نمی‌توان کلاس‌ها را تمدید کرد.» عبداللهی تأکید می‌کند: «این همان چیزی است که به تعبیر من، ظرف آموزش از دست‌رفته است، نه صرفاً کوچک‌شده. روزی که تعطیل می‌شود، دیگر قابل جابجایی نیست.»

وی اضافه می‌کند که این بی‌عدالتی پنهان است و اغلب در مطالبه‌گری عمومی دیده نمی‌شود: «خیلی‌ها از عدالت آموزشی حرف می‌زنند؛ ولی کمتر کسی به نابرابری زمان آموزش اشاره می‌کند. اما واقعیت این است که زمان خودش یکی از پایه‌های عدالت آموزشی است؛ وقتی نابرابر باشد، همه چیز دیگر هم نابرابر می‌شود.»

## دانش‌آموزان ۱۹ درصد از محتوای سال گذشته را به خاطر دارند

عبداللهی در ادامه از زاویه تطبیقی به مسئله نگاه می‌کند و می‌گوید ساختار فعلی تقویم آموزش در ایران «منعطف‌ترین نیاز را دارد؛ اما صلب‌ترین ساختار را حفظ کرده است.» به گفته وی، «امروز در جهان فقط دو کشور نظام آموزشی پیوسته دارند که سسال تحصیلی‌شان از ابتدا تا پایان بدون انقطاع ترمی ادامه دارد: ایران و ترکیه. در سایر کشورها، تقویم آموزشی ترمی و چرخشی است؛ یعنی چند هفته آموزش، چند هفته استراحت یا تعطیلی هدفمند و سپس ترم بعدی.» این تغییر مدل، به گفته عبداللهی، تنها برای استراحت دانش‌آموز نیست؛ بلکه برای بازتولید یادگیری است. «در نظام فعلی ما، از پایان اردیبهشت تا مهرماه، حدود چهار ماه انقطاع وجود دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وقتی دانش‌آموزان بعد از تابستان به مدرسه برمی‌گردند، فقط حدود ۱۹ درصد محتوای آموزشی سال گذشته را به یاد می‌آورند. یعنی تقریباً معلم باید یک ماه ابتدایی سال را به‌مرور و بازآموزی اختصاص دهد تا کلاس‌ها به وضعیت عادی برگردد.»

عبداللهی می‌گوید این شیوه حتی در دوره قاجار هم شناخته شده بود: «در زمان ناصرالدین‌شاه، مدیران مدارس اختیار داشتند که بسته به شدت گرما یا سرما، ساعت برگزاری مدرسه را تغییر دهند یا کلاس را تعطیل کنند. یعنی نظامی منعطف‌تر از امروز داشتیم!» به باور این پژوهشگر، آینده آموزش ایران بدون اصلاح تقویم آموزشی قابل برنامه‌ریزی نیست. «اگر می‌خواهیم زمان از دست‌رفته را جبران کنیم، باید قالب‌ها را بازطراحی کنیم. اختیارات استانی، تقویم‌های بومی و پاسخ‌گویی استان‌ها در برابر تحقق ۹۲۵ ساعت آموزش، راه‌نجات است.» وی اضافه می‌کند: «در این صورت حتی تعطیلات زمستانه هم مفهوم‌دار می‌شود. ممکن است استانی دو هفته تعطیل کند و استانی اصلاً نکند؛ مهم این است که در پایان سال، ساعت واقعی آموزش محقق شود. فقط در این صورت است که می‌توانیم درباره کیفیت، عدالت و برنامه‌ریزی حرف بزنیم.»

## وقتی تقویم تغییر می‌کند معلم کجای معادله ایستاده است؟

یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده بحث اصلاح تقویم آموزشی، نسبت آن با ساعات کار و حضور معلمان است؛ مسئله‌ای که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به‌صراحت به آن پرداخته شده، اما در اغلب پیشنهادهای سیاستی مغفول مانده است. بر اساس مصوبه موجود، ساعت کار موظف یک معلم دوره ابتدایی ۲۴ ساعت تدریس در هفته تعیین شده، اما در عمل و بر مبنای تقویم آموزشی، معلم باید حداقل ۲۵ ساعت در هفته در کلاس حضور داشته باشد. این بدان معناست که فعالیت معلمان ابتدایی عملاً به‌صورت تمام‌وقت تعریف می‌شود؛ مشابه مدیر و معاون مدرسه، بدون آنکه سازوکار جبران متناسبی برای این حضور اضافه در نظر گرفته شود.

طبق گزارش مرکز پژوهش‌ها، حتی بابت همین یک ساعت تدریس اضافه نیز در حال حاضر حق‌التدریسی پرداخت نمی‌شود. این در حالی است که برای تحقق ساعات مصوب آموزش، مدارس ابتدایی باید سالانه ۱۰۲۵ ساعت کلاس برگزار کنند؛ رقمی که مستلزم بیش از ۲۷ ساعت معلم در هفته است، اما فقط ۲۴ ساعت نیروی انسانی به‌صورت رسمی در اختیار مدارس قرار می‌گیرد. نتیجه روشن است؛ با ساعات مصوب روی کاغذ باقی می‌ماند، یا مدارس ناچار به تأمین منابع مالی برای پرداخت حداقل ۳ ساعت حق‌التدریس در هفته می‌شوند؛ اعتباری که نه در بودجه پیش‌بینی شده و نه سازوکار منسجمی برای آن وجود دارد.

## زمان آموزش، بدون جبران در حال کاهش است

دکتر مجتبی همتی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، با اشاره به سابقه تاریخی تعطیلات زمستانه می‌گوید: «این تعبیری که الان به‌عنوان تعطیلات زمستانه مطرح شده، در دهه هفتاد هم یک‌بار به شکل آزمایشی اجرا شد؛ در دولت آقای خاتمی و با این هدف که تقویم سالیانه آموزش تغییر کند.» او تأکید می‌کند که حتی در آن تجربه هم مسئله اصلی، خود تعطیلات نبود،

بلکه بازنگری در کل تقویم آموزشی مطرح بود. به گفته همتی‌فر، تمرکز بحث نباید صرفاً روی زمستان یا یک مقطع خاص باشد: «به نظر من به جای این که فقط درباره تعطیلات زمستانه صحبت کنیم، باید به مقوله زمان آموزش بپردازیم. زمان آموزش ظرفی است که یاددهی و یادگیری قرار است در آن اتفاق بیفتد؛ محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت‌های کلاسی و حتی فعالیت‌های خارج از کلاس، همگی بر اساس همین ظرف زمانی طراحی می‌شوند.»

وی توضیح می‌دهد که این ظرف در سال‌های اخیر به دلایل مختلف کوچک‌تر شده است: «تصمیم‌های مثل تعطیلی پنجشنبه‌ها، کوچک‌شدن بخشی از تعطیلات قابل‌بینی رسمی و مذهبی و از طرف دیگر تعطیلات پیش‌بینی نشده ناشی از شرایط اقلیمی، آلودگی هوا، بارندگی‌ها و حتی مدیریت مصرف انرژی، همه باعث شده‌اند زمان آموزش مدام کاهش پیدا کند. بدون این‌که جبرانی برای آن در نظر گرفته شود.»

## آموزش مجازی، خوب ناکافی

این استاد علوم تربیتی با اشاره به تجربه سال‌های اخیر می‌گوید: «در بعضی از این تعطیلی‌ها گفته می‌شود که مدارس تعطیل نیستند و آموزش در فضای مجازی ادامه دارد. اما واقعیت این است که آموزش مجازی، نه کیفیت آموزش حضوری را جبران می‌کند، نه زمان آموزش را، نه حتی محتوا را.» به اعتقاد او، آموزش مجازی تنها می‌تواند یک گام کوچک و محدود باشد و نمی‌تواند جایگزین آموزش واقعی شود؛ به‌ویژه در پایه‌های پایین‌تر.

## آغاز و پایان سال تحصیلی با شرایط هر استان

همتی‌فر یادآوری می‌کند که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، راهکاری برای این مسئله پیش‌بینی شده بود: «در سند تحول، بحث منعطف‌سازی تقویم آموزشی مطرح شده بود؛ به این معنا که آغاز و پایان سسال تحصیلی بتواند بومی شود و متناسب با اقلیم‌های مختلف کشور تنظیم شود.» وی ادامه می‌دهد: «ایده این بود که به‌جای تعطیلات طولانی تابستان که خودش آسیب‌های جدی دارد، ترکیبی از دوره‌های آموزشی و استراحت در طول سسال طراحی شود. یعنی سال تحصیلی نه‌ماهه به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شود؛ مثلاً یک دوره شش‌ماهه و یک دوره سه‌ماهه، با درنظرگرفتن تعطیلات نوروز و یک تعطیلی دیگر در نیمه دوم سال.»

## اصل باید حفظ استانداردهای آموزشی باشد

به گفته همتی‌فر، یکی از آسیب‌های جدی طرح‌های مطرح‌شده این است که غالباً با نگاه آموزشی خالص تدوین نمی‌شوند: «گاهی این بحث‌ها با ادبیات گردشگری مطرح می‌شوند، گاهی با ادبیات مدیریت انرژی یا مدیریت آلودگی هوا. این‌ها همه نگاه‌های تبعی و حاشیه‌ای هستند. اصل ماجرا آموزش است.»

او هشدار می‌دهد: «اگر این نگاه‌های حاشیه‌ای بر تصمیم‌گیری‌ها سایه بیندازند، پاشنه‌آسیب کار کل همین‌جا شکل می‌گیرد. اصل بر این است که زمان آموزش حفظ شود تا استانداردها و اهداف آموزشی محقق شوند.»

## در تصمیم‌گیری‌ها شرایط دانش‌آموزان شهرستانی نادیده گرفته می‌شود

این استاد دانشگاه بر لزوم نگاه عادلانه و غیرمتمرکز تأکید می‌کند: «باید دید صلحت همه دانش‌آموزان کشور چیست؛ نه فقط دانش‌آموزان تهران و کلان‌شهرها. در دوره کرونا دیدیم شهرها و روستاهایی که وضعیت سفید داشتند، صرفاً به‌خاطر شرایط کلان‌شهرها از آموزش حضوری محروم شدند.»

به باور وی، تقویم آموزشی هم اگر بخواهد اصلاح شود، نباید فقط ناظر به شرایط تهران باشد، بلکه باید تنوع اقلیمی و زیستی کشور را در نظر بگیرد.

## آموزش مجازی برای چه کسی و در چه سنی؟

در پاسخ به این پرسش که آیا معلمان باید روش تدریس خود را متناسب با تقویم جدید تغییر دهند یا از آموزش مجازی استفاده شود، همتی‌فر می‌گوید: «وقتی از مدرسه صحبت می‌کنیم، از دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی تا دانش‌آموز پایه دوازدهم را در نظر داریم. این‌ها شرایط کاملاً متفاوتی دارند.» او توضیح می‌دهد: «آموزش مجازی برای یک دانش‌آموز کلاس اولی چه فایده‌ای دارد؟ عملاً‌بار آموزش می‌افتد روی دوش خانواده، به‌ویژه مادر. اگر مادر شاغل باشد یا توان و فرصت همراهی نداشته باشد، کودک آسیب می‌بیند.»

مشکلاتی مانند نداشتن تجهیزات، اینترنت ناپایدار، چندفرزندی خانواده‌ها و نبود حمایت دولتی، به گفته او، آموزش مجازی را به‌گزین‌های نابرابر تبدیل کرده است.

## تغییر یک جزء، بدون تغییر کل سیستم جواب نمی‌دهد

همتی‌فر در جمع‌بندی تأکید می‌کند: «اگر قرار است ذیل یک تحول کلان، مثل تحول برنامه درسی، عنصر زمان تغییر کند، اجزای دیگر هم باید متناسب با آن تغییر کنند. نمی‌شود یک بخش را تغییر داد و بقیه را دست‌نخورده رها کرد.» او به تجربه‌های گذشته اشاره می‌کند: «در دوره‌هایی مثل نوروز، فعالیت‌هایی مثل بیک نوروزی یا ویژه‌نامه‌های مجلات رشد وجود داشت تا یادگیری کاملاً متوقف نشود. مسئله این بود که تغییرات جزیره‌ای نباشد.» به گفته همتی‌فر، هدف نهایی باید «تعلیم و تربیت باکیفیت‌تر، عادلانه‌تر و متناسب با توانمندی‌ها و علایق دانش‌آموزان» باشد؛ هدفی که بدون مدیریت دقیق و علمی زمان آموزش، دست‌یافتنی نخواهد بود.



دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴

شماره ۴۶۳۶

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

